



حسین شامی

#### ■ ۱۰ سالگی که نفهمیدند «سادیسیت بی هنر» به درد رسانه ملی نمی خورد

وحید جلیلی که ۱۴ سال پیش نیز یکی از منتقدان جدی صداوسیما بود و به خاطر انتشار پرونده‌ای در نقد رسانه ملی در شماره ۲۹ مجله سوره از حوزه هنری اخراج شده بود، دوازده روز پس از انتشار این نامه، در جواب غلامی نوشت: «اگر سازمان صداوسیما در کمتر از ۱۸ ماه می‌تواند به نتیجه برسد که مثلاً سرافراز به درد ریاست رسانه ملی نمی‌خورد (احتمالاً نقدهای تند حقیر در دوره آقای سرافراز که بشدت مورد استقبال و تشویق برخی بزرگواران هم قرار می‌گرفت، یادتان نرفته است) چطور در بیش از ۱۰ سال تنها به نتیجه نمی‌رسد که فلان ضدانقلاب و فلان سکولار معاند و فلان سادیست بی‌هنر... به درد رسانه ملی نمی‌خورد بلکه سال به سال بر ارج و قرب شان در سازمان هم اضافه می‌شود. آیا این نتیجه همان جریان نقد مؤبدانه و پرثمر است؟ آیا دارم اتهام می‌زنم؟ شما که خبرداری که چه خبر است.» او ادامه داد: یک نمونه‌اش دعوت از فلان کارگردان ضدانقلاب که فیلمش به خاطر فحاشی به انقلاب اسلامی توقیف شد و از معاونت سیما یک سریال ضعیف و کم‌مخاطب اما ۷ میلیاردی! جایزه گرفت و بعد که نقد مؤبدانه و واقع‌بینانه کردیم صدایش کردند که بیا این چند میلیارد دیگر را هم بگیر و سری دومش را هم بساز! و سفیر انگلیس در ایران هم از این اقدام قدردانی کرد!

#### ■ منتقدان جلیلی به خط شدند

از اینجا به بعد منتقدان وحید جلیلی به خط شدند. از یاسر جبرائیلی از چهره‌های رسانه‌ای خبرگزاری فارس گرفته تا محمد صالح مفتاح از چهره‌های نزدیک به قالیباف و معاون آموزش ستاد امر به معروف و نهی از منکر که در صفحه توئیترش جلیلی را دعوت کرد که او هم خود را در معرض امر به معروف قرار دهد و نهی از منکر را از خودش شروع کند.

در این میان واکنش عزت‌الله ضرغامی رئیس صداوسیما که مستقیماً نامش در نوشته وحید جلیلی آمده هم قابل توجه بود. او در صفحه توئیتر خود این جدال را «شورش دفتر علیه دفتر» توصیف کرد که کسی آن را باور نمی‌کند:

«همیشه به آقای حسین محمدی گله داشتم که به دلیل رفاقت مان، با احتیاط اشکالات ما را پررنگ‌تر و خدمات ما را کم‌رنگ‌تر گزارش می‌کند. امروز فهمیدم که آن احتیاط، بی‌حکمت نبوده است! ضمناً شورش دفتر علیه دفتر را کسی باور نمی‌کند.»

۲۱ شهریورماه هم صفارهرندی در نامه‌ای به دفاع از حسین محمدی برخاست و نوشت: «در حیرتم از وقت‌شناسی برخی دوستان که چطور باب نقد علنی و تخریب اصحاب و خادمان وفادار رهبری را درست در شرایطی گشوده‌اند که دشمن هرزه‌گو و رفقای راه گم‌کرده سابق، حملات پر حجمی را علیه این جایگاه به نیت تضعیف عمود خیمه انقلاب آغاز کرده‌اند؟! که البته این نوشته چند کلمه‌ای ۴ روز بعد واکنش جلیلی را به همراه داشت.» اگر کسی با متهم کردن یکی از معاونان بیت به سوءاستفاده یا سهل‌انگاری در مسئولیت خود از دایره ولایت خارج می‌شود چرا این قاعده ملکوتی و مقدس و این تئوری بسیار مستدل و مستحکم و منطقی!! فقط درباره برخی مصداق عمل می‌کند و در جاهای دیگر به کلی فراموش می‌شود؟ همه به یاد دارند چند ماه پیش یکی از معاونان بیت رهبری، که بسیار بیشتر از آن معاون دیگر در کنار رهبری دیده شده و آبرویش آبروی بیت و بادعای این دوستان آبروی آقا محسوب می‌شود، علناً به سوءاستفاده از موقعیت متهم شد. جناب آقای ضرغامی (یکی از آن هم‌کلاسی‌های هم‌قسم) در فضای مجازی به مشهورترین معاون بیت رهبری یعنی آقای وحید حقانیان حمله کرد و او را به سوءاستفاده از جایگاه خود و دخالت در انتخاب دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی متهم کرد.

#### ■ هبه به نور چشمی‌ها

واکنش‌های منتقدان به وحید جلیلی باز هم بدون پاسخ نماند. ۲ روز بعد وحید جلیلی سومین نامه ۵ هزار کلمه‌ای خود را نوشت و در آن گفت: «بحمدالله دوستان زیادی برای مقابله با انتقاد از یکی از معاونان محترم و عزیز دفتر رهبری بسیج شده‌اند و در حال تولید فکر هستند و داریم حتی به قرائت‌های تازه‌ای از نظریه ولایت فقیه می‌رسیم که در آن منویات رهبری و راهبردهای ولی فقیه؛ اهمیت به مراتب کمتر از مصالح یکی از هفت هشت معاون دفتر رهبری دارد ولی فقیه را نه حاکم بر نیروهای اجرایی بلکه ذیل آنها می‌خواهد. متأسفانه با خوشبختانه دوران بزن در رو گذشته است و نمی‌شود ده‌ها میلیارد تومان امکانات رسانه ملی را ۱۸۰ درجه خلاف دستورات صریح رهبری به نور چشمی‌ها هبه کرد و با اطمینان به برخی پشتوانه‌های معنوی، برای منتقدان و ناهیان از منکر شکک در آورد یا مسخره‌تر از آن، به ضدیت با رهبری متهم شان کرد.»

#### ■ نقد اعضای دفتر رهبری امکان‌پذیر است؟

تا اینجا کار هیچ روزنامه‌ای به این موضوع نپرداخته بود و جنجال‌ها تنها به همان سایت‌های خبری معطوف ماند. روزنامه جوان اما نتوانست بیش از این سکوت در پیش بگیرد و در سرمقاله روز ۲۳ شهریورماه با عنوان پرسشی «نقد اعضای دفتر رهبری امکان‌پذیر است؟» نوشت: در این «نقد» به حسین محمدی، معاون بررسی دفتر رهبر جمهوری اسلامی «هیچ‌کدام از حجتی جز ادعا» وجود ندارد، «مسئول دفتر یا اعضای دفتر یک مدیر، طبق قاعده مدیریت با بقیه منصوبان ایشان متفاوت هستند» و «اعضای دفتر منهای مسئول مربوط فاقد هرگونه هویت حقوقی هستند و معنا و وظیفه مستقل ندارند.» «نقد منصوبان رهبری مانند رئیس صداوسیما، قوه قضائیه و... هیچ اشکالی ندارد، زیرا وظایف مستقل، اعلام شده و قانونی دارند و به صورتی طبیعی باید پاسخگوی عملکرد خود در مقابل شرح وظایف و قانون باشند اما این قاعده نه تنها برای اعضای دفتر رهبری بلکه برای هیچ مدیری صدق نمی‌کند.» روزنامه جوان نوشت که تنها وقتی انتقاد از اعضای دفتر رهبر جمهوری اسلامی مجاز است که آنها «اقدامات مجرمانه انجام داده باشند یا مسئول مربوطه از اقدامات عضو دفتر برائت جست‌جا شود» و در غیر این صورت هرگونه انتقاد از اعضای دفتر رهبری به معنای «جلوتر از رهبری حرکت کردن» است.

سردبیر روزنامه فرهیختگان نیز در این روزنامه نوشت که «در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، منظور جناب جلیلی این است که کل کار را به ما بدهید، چون در حال حاضر شبکه افق با دستگاه فکری دفتر «راه» اداره می‌شود و برنامه‌هایی دیگر در چندین شبکه دیگر هم برای این دوستان است. منظور خوشبینانه جلیلی این است که بقیه تلویزیون را به ما بدهید، یعنی مدیریت فکری جشنواره عمار و شبکه افق بر تمام تلویزیون حاکم شود.»